

# احتران تابناک

## یا کشف الکواکب

زندگانی مشاهیر امام زادگان و علماء آل ابیطالب

تألیف

خطیب دانشمند آقای حاج شیخ ذبیح الله محلاتی

تحریر و تصحیح بقلم : آقای محمد جواد نجفی

از انتشارات :

۱۲۰

# کتابفروشی اسلامیة

تهران خیابان بوذرجمهری شرقی تلفن ۲۱۹۶۶

حق چاپ محفوظ

چاپ اسلامیة ۱۳۴۹ شمسی

# حرف‌حاء

## ۸۳ = امیر حامد حسین

ولادت این سید بزرگوار در سنه هزار و دویست و چهل و شش (۱۲۴۶) و زحمت وی در هجدهم ماه صفر سال هزار و سیصد و شش (۱۳۰۶) قمری در لکنه‌پو واقع شد و در لکنه‌پو در حسینیه خود دفن گردید این سید دانشمند فرزند برومند سید محمد قلی هندی نیشابوری بود .

بیجان خودم قسم که وی برای بندگان خدا حجت و در عالم آیت الله بود . وی لسان فقهاء و مجتهدین ، مترجم حکماء و متکلمین ، شمشیری برای افراد متفرق کننده رستگاران ، تیری برای جگر دروغگویان و گمراه‌کنندگان بود . وی از فقهای طراز اول و دارای علوم عقلیه و نقلیه و بزرگترین مفاخر شیعه بود . لذا بجا است که در باره اش گفته شود:

یکدهان خواهم بد پهنای فلک تا بگویم وصف آن والاملك

او علاوه بر علوم عقلیه و فقهات و سائر علوم در علم حدیث و اخبار و آثار و معرفت احوال روات شیعه‌وسنی و علم کلام هم میتوان گفت: کسی بر او سبقت نگرفته است ، و در مبحث امامت منحصر بفرد بود .

وی در کثرت تبحر در کلیه علوم یگانۀ عرب و عجم بشمار میرفته و برای حفظ حوزه دین و دیانت فعالیت های بسیار مینموده ، کلیه دقائق و ساعات عمر شریف خویشتن را برای تألیفات کتب دینی و مذهبی بمصرف میرسانید او بقدری موضوعات و مباحث مذهبی نوشت که دست راستش از کار افتاد و با دست چپ مینوشت .

کسی که بکتاب : عبقات الانوار او مراجعه نماید تصدیق میکند که احدی از صدر اسلام تاکنون مخصوصاً در مبحث امامت نظیر او کتاب ننوشته. بزرگان علمائی که با وی همزمان بودند تقریظ هائی برای این کتاب شریف نگاشته‌اند. از جمله علمائی که برای این کتاب تقریظ نوشته : مرحوم آیت الله : حاج میرزا محمد حسن شیرازی و شیخ زین العابدین مازندرانی بوده‌اند. شیخ عباس هندی شیروانی رساله‌ای نوشته بنام : سواطع الانوار که حاوی چهل تقریظ است و کلیه آنها را در باره کتاب عبقات نوشته‌اند و . . .

شیخ عباس هندی در کتاب : سواطع میگوید : از برکت کتاب عبقات در مدت یکسال گروه زیادی از اهل تسنن شیعه شدند .

میرحامد حسین مبادی و مقدمات علم را در لکنه نزد پدر بزرگوارش : میر محمد قلی تحصیل کرد . علم فقه و اصول و کلام را پیش : سید حسین بن دلدار علی نقوی تحصیل نمود . علم معقول را نزد سید مرتضی بن سید محمد باقر تحصیل کرد .

مقام علمی این سید دانشمند بجائی رسید که سر آمد کلیه علماء زمان خود گردید . وی به مرتبه و درجه‌ای از علم رسید که هیچیک از اعلام زمان گذشته و حاضر و آینده به او نرسیده و نخواهند رسید .

بر شخص خبیر واضح و معلوم است که این همه احاطه و توفیقات علمی جز به تأیید خدای توانا و توجه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نصیب کسی نخواهد شد . انصافاً که : ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء .

**شیخ آقا بزرگ** در جلد اول : نقباء البشر از تکمله سید حسن صدر در باره این سید معظم مینگارد : میر حامد حسین از بزرگان متکلمین ، اعلام علماء دین ، رجال مجاهدین در راه خدا بشمار میرفت . وی عمر عزیز خود را برای نصرت دین و حمایت شریعت جدخود حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلی الله علیهم اجمعین طی کرد و . . .

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب: مآثر و آثار راجع به میرحامد حسین لکناهوئی مینویسد: وی از آیات الهیه و حجج شیعه اثناعشریه بشمار میرفته و... آنگاه میگوید: یکی از آثار موفق بودن این سیدعا لیقدر این است که تعداد سی هزار (۳۰/۰۰۰) جلد کتاب در کتابخانه او موجود بوده است.

در کتاب نجوم السماء، شفاء الصدور، نامه دانشوران، نجم الثاقب در حکایت (۹۹)، نباء البشر، تکملة امل الامل، ریحانة الادب، الذریعه و غیره شرح حال میرحامد حسین را نگاشته و براو ثنای جمیل گفته اند.

از میرزا حسین نوری نقل شده که گفت: میرحامد حسین يك کتابی از حاجی نوری خواست. وی پس از اینکه آن کتاب را فرستاد گفت: من تعجب میکنم که چگونه این کتاب در کتابخانه شما نیست؟!؟

میرحامد حسین گفت: یقیناً چند نسخه از این کتاب در کتابخانه من موجود است، ولی باید وقت زیادی تلف شود تا آنرا پیداکنم؛ لذا این کتاب را از شما خواستم که وقتم ضایع نشود.

مؤلف گوید: بنده در مجلس مرحوم حجة الاسلام: آقای آقا شیخ اسماعیل محلاتی بودم و از او شنیدم که فرمود: شخصی از سادات نزد میرحامد حسین آمد و دید او نظیر زن جوان مرده با صدای بلند گریه میکند. میرحامد حسین پس از ورود آن سید آن کتابی را که مطالعه میکرد به وی داد و گفت: ببین با اجداد توجه کرده اند؟!؟ وی بقدری گریسته بود که چشمهایش از کثرت گریه سرخ شده بود.

مرحوم حجة الاسلام: آقای میرزا محمد طهرانی از سید حسین یزدی خطیب نقل میکند که گفت: من شنیده بودم میرحامد حسین طاقت شنیدن مصیبت و روضه های گرم و داغ (امامان) را ندارد، لذا در مجلسی که او حضور داشت من از خواندن مصائب شدید خود داری مینمودم. تصادفاً در یکی از روزها که من در حسینیه مشغول خواندن مصیبت بودم وی داخل حسینیه شده بود، ولی من از ورود او بی اطلاع بودم، ناگاه شنیدم از اطراف بمن صدا میزدند: ساکت ساکت!!

همینکه متوجه شدم دیدم میر حامد حسین غش کرده !  
**نگارنده گوید :** حضرت حجة الاسلام نسابه جلیل القدر : آقای شهاب الدین نجفی مدظله العالی برای من نقل کردند : یکروز میر حامد حسین در لکنا هو در مجلس فاتحه ای وارد شد که قاری قرآن آن مجلس بعضی از کلمات را غلط میخواند .

گروهی از اهل تسنن که در آن مجلس حضور داشتند زبان بطعن شیعه گشودند و گفتند : شیعه چندان اهمیتی بقرائت قرآن نمیدهد .

همینکه میر حامد حسین این مقاله را شنید دستور داد تا قلم و کاغذ و دوات آوردند ، آنگاه غلط های ابوبکر و عمر و عثمان را از کتب اهل تسنن با تعیین کتب و صفحات نوشت و بخادم خود داد و فرمود : فوراً میروی و این مطالب را چاپ میکنی و درب خانه مینشینی ، هر يك از اهل تسنن که از خانه خارج میشود یکی از این اوراق را به او میدهی ، انصافاً که يك چنین قدرت علمی از هیچ دانشمندی دیده و شنیده نشده .

**نیز از حضرت آیت الله نجفی مدظله شنیدم** میفرمود : موقعی که میر حامد حسین از دنیا رفت یکی از مردمان صالح و نیکوکار در عالم خواب دید که قیامت بر پا شده و پیامبر اسلام ﷺ بر فراز منبری قرار گرفتند و میر حامد حسین بر يك پله پائینتر از رسول خدا جلوس کرده . ملائکه مردم گناه کار را میاوردند و پیغمبر خدا بحساب آنان رسیدگی میکرد . میر حامد حسین نزد پیامبر خدا برای افراد معصیت کار شفاعت میکرد و آن بزرگوار شفاعت وی را میپذیرفت .

### سبب تألیف کتاب عقیقات

یکی از ناصبی ها که وی را عبدالعزیز دهلوی میگفتند کتابی بررد مذهب شیعه نوشت و چاپ کرد بنام : تحفه اثنا عشریه و نام دیگرش : کتات لاجواب بود که حاوی دوازده باب بود . يك باب آن کتاب را بررد فضائل حضرت بن علی ابطالب

عَلَيْهِ تَخْصِيصُ دَاد .

در آن کتاب مینگارد : شیعه فقط همین دوازده دلیل را برای خلافت علی ابن ابیطالب دارد . آنگاه میگوید :

اولاً این اخبار و احادیث دروغند .

ثانیاً بر فرض اینکه دروغ نباشند از اخبار آحاد بشمار میروند و اخبار آحاد معتبر نیستند و . . .

موقعی که این کتاب چاپ و منتشر گردید ابناء سنت به جنبش در آمدند ، زبان درازی نمودند ، باب طعنه و توییح را بر شیعه گشودند . این عمل برای : راجه هند ( ۱ ) که از شیعیان بزرگ هند بشمار میرفت قابل تحمل نبود ، لذا وی برای راه نجات دست بدامن میر حامد حسین گردید .

او در جوابش گفت : من سر و سامان و کتبی که از آنها استفاده کنم ندارم . راجه باسعادت کلیه مخارج وی را آماده و تقدیم نمود ، بقدری کتب در اختیار او قرار داد که تعداد کتب خطی و چاپی کتابخانه اش به سی هزار ( ۳۰ / ۰۰۰ ) جلد رسید .

میر حامد حسین پس از تهیه این مقدمات دوره کتاب عبقات الانوار را برد یک باب کتاب تحفه اثنا عشریه نوشت . طرز تألیف عبقات این است که :

**اولاً :** در باره تواتر حدیث بحث میکند .

**ثانیاً :** راجع به امثال و نظائر آن حدیث گفتگو مینماید .

**ثالثاً :** در باره شرح حال آن علمائی که از اهل تسنن هستند و کتب ایشان نزد کلیه اهل تسنن مورد قبول و اعتبار است تکلم میکند .

**رابعاً :** راجع بدلالات کردن حدیث بر خلافت بلا فصلی حضرت علی بن

ابی طالب سخن میگوید .

### قضیه ای بی نظیر

حضرت حجة الاسلام آقای آقا شهاب الدین نجفی مرعشی مد ظله العالی که فعلاً یکی از مراجع عالیقدر شهر قم بشمار میرود برای بنده فرمودند: میرحامد حسین به کتابی محتاج شد که آنرا نداشت. به او گفتند: این کتاب نزد عالم قریه را بوق که بین مکه و مدینه است موجود است.

میرحامد حسین از آن عالم سنی تقاضا کرد که آن کتاب را بعنوان فروش یا بعنوان امانت به وی دهد ولی آن عالم سنی این تقاضا را نپذیرفت.

میرحامد حسین پس از اینکه بمکه مشرف شد و مناسک حج را بجای آورد متوجه قریه را بوق شد و بطور ناشناس بر آن عالم وارد گردید و آنچنان وانمود کرد که مسافری است و میخواهد چند روزی در قریه را بوق توقف نماید.

موقعی که آن عالم از این جریان مطلع شد خوشحال گردید و نسبت به میرحامد حسین اظهار محبت نموده او را نزد خویش نگاه داشت. وقتی شب فرا رسید میرحامد حسین گفت: من خیلی دوست دارم در موقع خواب مطالعه کنم تا بخواب روم و قرآنی بالا سرم باشد که از خیال و افکار متفرقه آسوده باشم!!

آن عالم گفت: مانعی ندارد، بیا در این کتابخانه بخواب، هر کتابی را که میخواهی مطالعه کن و قرآن را بالای سر خود بگذار!

میرحامد حسین وارد کتابخانه گردید، همینکه اهل آن خانه را خواب ربود برخواست و پس از جستجوی فراوانی کتاب مورد نظر را بدست آورد و مشغول مطالعه گردید، پس از اینکه قسمتی از آن کتاب را خواند لازم دانست که همه آنرا استنساخ نماید.

از حسن اتفاق یکی از شیعیان در بازار را بوق دکانی داشت، میرحامد حسین وسائل نویسندگی را از او گرفت و شب ها کلیه آن کتاب را استنساخ نمود.

میرحامد حسین روزها در خانه آن عالم خدمتگذاری میکرد، گاهی طفل شیرخواری را که آن عالم داشت در بغل میگرفت، چه بسا میشد که آن کودک در

آغوشش بول میکرد. آن عالم برای اینکه میر حامد حسین بسیار خوش اخلاق و خدمتگذار و مؤدب و عابد بود شیفته و فریفته کمال وی شده بود.

همینکه میر حامد حسین همه آن کتاب را استنساخ کرد از آن عالم اجازه مرخصی خواست. او بسیار افسرده شد و بمفارقت میر حامد حسین راضی نبود، ولی در عین حال چون شرعاً مزاحم شدن او را هم جایز نمیدانست لذا مقدمات سفر او را تهیه نموده وی را مرخص کرد.

موقعی که میر حامد حسین به وطن خویش رسید جریان استنساخ کتاب را برای آن عالم نوشت و از او بسیار اظهار تشکر نمود.

وقتی نامه وی بدست آن عالم رسید از جریان آگاه شد انگشت عبرت بدندان گزید و از بلند همتی میر حامد حسین و صبر و تحمل وی در شهر و غربت و آن همه خدمت و ذلت تعجب بسیار نمود !!!

## تالیفات میر حامد حسین

۱ -- جلد اول عبقات الانوار . حقیر تعداد چهارده جلد از کتاب عبقات را در شهر سامراء در کتابخانه مرحوم حجة الاسلام: آقای میرزا محمد طهرانی مطالعه کردم و ماده پنج جلد : الكلمة التامة من از آن کتاب شریف است .

۲ -- جلد دوم عبقات الانوار . این دو جلد در باره حدیث شریف : العذیر نگاشته شده اند و تا کنون کتابی به این خوبی در باره این موضوع نگاشته نشده است !

۳ و ۴ -- جلد سوم و چهارم از کتاب عبقات در باره این حدیث شریفی است که پیامبر خدا بحضرت علی بن ابیطالب عليه السلام فرمود :

انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لاني بعدی (۱)

(۱) یعنی یا علی ؛ تو برای من نظیر هارونی برای حضرت موسی بن عمران. تفاوتی که هست این است که بعد از من پیامبری بوجود نمیآید - نجفی



نوشته شده. کسی که جلد سوم و چهارم عبققات را بخواند از طرفی دچار حیرت میشود که میرحامد حسین تا چه اندازه ای عالم و دانشمند بوده !! و از طرفی هم تصدیق میکند که جمع آوری این اخبار از کتابهای اهل تسنن کار کوچکی نیست !!!

۵ و ۶ - جلد پنجم و ششم از کتاب عبققات راجع به این حدیث شریف که پیامبر اسلام ﷺ در باره حضرت علی بن ابیطالب عَلِيٍّ میفرماید :

**انا مدينة العلم وعلی بابها، فمن اراد العلم والحكمة فليأتهامن بابها ( ۱ )**

نگاشته شده. میرحامد حسین این حدیث را به چهل و پنج طریق از کتب اهل تسنن نقل نموده است.

۷ و ۸ - جلد هفتم و هشتم از کتاب عبققات در باره حدیث نور است که پیامبر معظم اسلام ﷺ میفرماید :

**كنت انا وعلی بن ابیطالب نوراً بین یدی الله قبل ان یخلق آدم باربعة آلاف عام . الی آخره ( ۲ )** نوشته شده.

۹ - جلد نهم عبققات که کتاب بزرگی است درباره حدیث تشبیه نگاشته شده که حضرت رسول در باره علی بن ابیطالب عَلِيٍّ میفرماید :

**ایها الناس ! من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه والی نوح فی فهمه والی ابراهیم فی حلمه والی موسی فی شدته والی عیسی فی زهادته والی محمد فی بهائه والی جبرئیل فی امانته فلینظر الی علی بن ابیطالب ( ۳ )**

(۱) یعنی من شهر علم وعلی در آن شهر است، کسیکه خواهان علم و حکمت باشد باید از در آن شهر وارد شود - نجفی

(۲) یعنی من و علی بن ابی طالب نوری بودیم در مقابل خدا چهار هزار سال قبل از اینکه حضرت آدم را بیافریند - نجفی

(۳) یعنی ای مردم ! هر که بخواهد علم آدم را بنگرد، در فهم حضرت نوح نگاه کند. حلم حضرت ابراهیم را ببیند، شدت و تندوی حضرت موسی را تماشا کند، زهد حضرت عیسی را ملاحظه نماید، بهاء و اهمیت حضرت محمد را بنگرد؛ امانت جبرئیل را مشاهده نماید بحضرت علی ابن ابیطالب نگاه کند - نجفی

۱۰ - جلد دهم کتاب عبققات راجع به این حدیثی که پیامبر عظیم الشان اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در باره حضرت علی بن ابیطالب عَلِيٌّ میفرماید :

**ياعلی ! انت ولی کل مؤمن ومؤمنة (۱)**

نوشته شده .

۱۱ و ۱۲ - جلد یازدهم و دوازدهم کتاب عبققات راجع بحديث شريف طير مشوي نوشته شده اند که رسول خدا در باره علی عَلِيٌّ می فرماید :

**اللهم أنتنى باحب الخلق اليك (۲)**

۱۳ و ۱۴ - جلد سیزدهم و چهاردهم کتاب عبققات در باره حدیث شریف :

**انى تارك فيكم الثقلين الى آخره (۳)**

نگاشته شده است . و تمام این چهارده جلد از کتاب عبققات چاپ شده اند .

۱۵ - استقصاء الافحام که ده جلد است . این کتاب بررد کتاب منتهی الکلام ملاحیدر علی سنی که ناصبی بوده نوشته شده . انصافاً که در این کتاب حق مطلب را ادا کرده و راجع به تحریف و عدم تحریف کتاب و اثبات وجود مقدس حضرت مهی موعود و شرح حال گروه زیادی از علمای اهل تسنن و صحاح سته اعجاز نموده است .

۱۶ - الشریعه الغراء که حاوی علم فقه از ابتداء تا کتاب دیات است . این کتاب نیز چاپ شده است .

۱۷ - شعله جو آله . موضوع این کتاب بحث و فحص در باره احراق مصاحف است . این کتاب هم چاپ و بفارسی ترجمه شده است .

(۱) یعنی یا علی ! تو ولی هر مرد و زن مؤمن و مؤمنه ای میباشی . ما راجع به کلمه ولی و کلمه مولا در جلد چهاردهم ستارگان درخشان از هر جهت بررسی نموده ایم ، امید است که مطالعه آن بی نتیجه نباشد - نجفی

(۲) یعنی خدایا ! محبوبترین خلق خود را نزد من بفروست تا از این مرغ بریان بخورد آنگاه خدای علیم حضرت علی بن ابیطالب را نزد پیامبر فرستاد - نجفی

(۳) یعنی من دو چیز بزرگ و گرانبهادر درمیان شما برسم امانت میگذارم الی آخره - نجفی

- ۱۸- شمع المجالس . این کتاب حاوی قصائد عربی و فارسی میباشد که از انشآت خود میرحامد حسین است و درباره حضرت امام حسین علیه السلام نوشته شده .
- ۱۹- شمع دمع که چاپ و بزبان اردو ترجمه گردیده .
- ۲۰- صفحه الالماس فی الار تماس که در باره غسل ارتماسی نگاشته و چاپ شده
- ۲۱- الطارف فی الالغاز و المعميات .
- ۲۲- العشرة الکامله که درباره شرح ده مسئله مشکل نوشته و چاپ شده .
- ۲۳- افحام اهل الیمن در چند جلد .
- ۲۴- اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار . این کتاب که چند جلد است حاوی حوادث مکه معظمه و زیارت ائمه عراق و اعتبار مقدسه می باشد .
- میرحامد حسین کلیه این کتاب ها را با قلم و مرکب و کاغذی که ساخت اسلام بوده می نگاشته و تا آنجا که ممکن و مقدور بوده از مصنوعات غیر مسلمین اجتناب میکرد .

### ۸۴ = سید حسن بن جعفر بن محمد اکبر

نسب این سید بزرگوار به عبدالله محض منتهی میشود وی در مکه معظمه دارای منصب نقابت بود . او دارای دو کتیه بود : یکی ابوالفتوح و دیگری ابوالبرکات . این سید عالیقدر بسیار شجاع و فصیح بوده ، اشعار نیکوئی میسروده . گفته شده: یکوقت خواهر این سید حسن مبلغی در هم مسکوک از برای خرید گندم برای وی فرستاد . او هر یک از آن درهم ها را در میان انگشت ابهام و انگشت سبابه خویش بنحوی فشار داد که نقش آن در اهم بر خواست و خاکستری رنگ گردیدند . آن گاه مقداری گندم با آن پول ها برای خواهرش فرستاد و پیام داد که این درهم ها مغشوش و خاکستری رنگ هستند .

همینکه خواهرش یک چنین اعجازی از برادرش دید دست برد و یک مشت از آن گندم ها را برداشت و آنچنان در میان کف دست فشار داد که آرد